


---

# مقالات

---



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## تحلیل راه‌کارهای مصوب آموزش عالی برای تحقق فضای اسلامی دانشگاهها

دکتر مجید کاشانی\*

### چکیده

با عنایت به پیشینه‌ی فرهنگی و دینی و اهمیت فراوانی که مقوله‌های آموزش و پژوهش در تفکر اسلامی دارد؛ حاکمیت علم و تعهد، نیاز به فضای مناسب فرهنگی و اخلاقی دارد.

آنچه که از رهنمودهای معمار کبیر جمهوری اسلامی ایران بر می‌آید آن است که نقش دانشگاه‌ها فراتر از جایگاه آن در گذشته است و نهادی است که در تمامی شئون جامعه اعم از سیاست، فرهنگ و اقتصاد اثرگذار می‌باشد و چون بزرگترین رسالت مراکز علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی «تولید علم» است که خود راهگشایی است برای توسعه صنعتی و اقتصادی و به پیروی از آن، کلیدی است برای سایر ابعاد توسعه.

مقاله‌ی حاضر به تبیین و تحلیل سیاست‌های آموزش عالی و اصول بیست و پنج‌گانه‌ی مصوب این وزارتخانه برای تحقق فضای مناسب و

\*. عضو هیأت علمی دانشگاه.

اسلامی دانشگاه‌ها می‌پردازد.

## واژگان کلیدی

اسلامی شدن دانشگاه‌ها، سیاست‌های آموزش عالی، اصول بیست و پنج‌گانه، شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی، سیاست ارتقای فعالیت‌های فرهنگی، اردوهای دانشجویی، عناوین دروس معارف اسلامی، تشکل‌های دانشجویی، نقاط ضعف و قوت در راستای اسلامی شدن دانشگاه‌ها.

### مقدمه

بدون شک نظام آموزش عالی ایران پس از انقلاب اسلامی، منشأ تحولات و موجب ارتقای سطح علمی و افزایش معلومات و آگاهی‌های تخصصی و نیز کسب موفقیت‌های علمی در عرصه‌ی جهانی بوده است. در دنیای کنونی، توسعه‌ی علمی، یکی از ابعاد اساسی توسعه‌ی پایدار و همه‌جانبه و بخش تفکیک‌ناپذیر برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است. دانشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی اسلام بیش از دیگر مکاتب برای دانش و دانشمند ارزش قائل شده و در آیات شریفه‌ی قرآن مکرراً بر علم و علم‌آموزی تأکید شده است. با توجه به سابقه‌ی فرهنگی و دینی و اهمیت وافری که مقوله‌ی دانش، آموزش و پژوهش در تفکر اسلامی دارد، ایجاب می‌کند که فضای مناسب فرهنگی و اخلاقی برای حاکمیت علم و تعهد فراهم شود. با این که نظام آموزش عالی ایران به لحاظ برون‌دادها، منشأ تحولات عدیده‌ای بوده، اما به لحاظ درون‌دادها با کاستی‌ها و نقاط ضعف فراوان نیز

مواجهه بوده است. در یک ارزیابی عادلانه از این نظام، ملاحظه می‌شود که یکی از نقاط ضعف آن عدم موفقیت در ارائه‌ی الگوی موفق اندیشه و عمل دینی در محیط دانشگاهی و به ویژه در حوزه‌ی نقدپذیری بوده است.

از اقدامات اساسی سال‌های اخیر؛ انتشار گزارش عملکردها و دستاوردهای نظام آموزش عالی و اقدام به تدوین برنامه‌ها و چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی آینده‌ی نظام آموزش عالی ایران است. مسلماً کارایی مناسب و با کیفیت دستگاه‌های فرهنگی، کمک می‌کند تا یک سیستم فرهنگی - که پرورش دهنده‌ی نسل سازندگان جامعه‌ی فردا است - بهتر و به نحو احسن کار خود را انجام دهد به گونه‌ای که نسل آینده با بحران مواجه نشود و جوانان بتوانند جامعه‌ی خود را آن گونه که شایسته‌ی یک نظام مترقی است بسازند.

بنابراین در جامعه‌ای که سیستم فرهنگی دانش، آموزش و پژوهش آن؛ جوشان، متحرک و پویا است و در راه تعالی و پیشرفت قدم می‌گذارد و اجزای آن به وظایف خود آشنا هستند و مدیریت صحیح در تمامی قسمت‌های آن حاکم باشد و هدف تمامی آن، توانمندی انسان باشد و همچنین در حوزه‌ی علم و دانش و فناوری؛ استعدادهايش با دنیای پیشرفته هم سو باشد؛ تردیدی نیست چنین جامعه‌ای موفق بوده و تمامی قسمت‌های دیگر نظام، از جمله بخش‌های «اقتصادی، سیاسی، اجتماعی» آن نیز پیشرفت خواهد کرد.

عامل مهم توسعه‌ی اقتصادی، سرمایه‌گذاری در منابع انسانی است. آموزش علاوه بر آن که یکی از نبوغ اولیه و اصلی انسانی است، جزء اصلی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی نیز به شمار می‌آید. اهمیت علم، رویکرد

جامعه‌ی جهانی به زندگی ماشینی است که با هدف ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی بشر صورت می‌گیرد. زیرا توسعه‌ی علمی و تحقیقاتی از سویی زمینه‌ساز «توسعه»ی پایدار و از طرفی بستر مناسبی برای سایر ابعاد توسعه است. از همین رو اهمیت به راه کارهای توسعه‌ی دینی و اخلاقی در نظام آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی نقش مهمی در برنامه‌ریزی کشور دارد.

یکی از مهمترین خواسته‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب، تحقق دانشگاه اسلامی بوده است.

یک دانشگاه اسلامی با مؤلفه‌های اسلامیت در حوزه‌های ششگانه ذیل شناخته می‌شود:

- حوزه‌ی استاد
  - حوزه‌ی دانشجو
  - حوزه‌ی امور فرهنگی
  - حوزه‌ی متون و برنامه‌ریزی درسی
  - حوزه‌ی برنامه‌ریزی آموزشی و پژوهشی
  - حوزه‌ی مدیریت
- هدف نظام جمهوری اسلامی از تحقق دانشگاه اسلامی در دو بخش عمده خلاصه می‌شود:

الف) کارکردهای ذاتی آموزش عالی

ب) کارکردهای اجتماعی یا توسعه و اعتلای فرهنگی جامعه دانشگاه مانند هر سازمان اجتماعی، دارای کارکردهای اجتماعی است. از مهم‌ترین کارکردهای این نهاد؛ کارکردهای آموزشی، پژوهشی، ارتباطی و خدماتی است. کارکرد آموزشی و پژوهشی دانشگاه؛ تولید، اشاعه و آموزش

دانش، تربیت نیروهای متخصص و کارآمد در حوزه‌های متنوع علمی، پژوهشی و توسعه‌ی مرزهای دانایی و توانایی است.

از دیگر کارکردهای این نهاد، توسعه و اعتلای فرهنگی جامعه، غنابخشی به فرهنگ عمومی برای رشد و توسعه‌ی فرهنگ علمی، حفظ، انتقال و بازشناسی سنت‌ها و میراث فرهنگی گذشته است.

چنانکه می‌دانیم در میان رهنمودهای امام خمینی (ره) بیشترین تأکید و توجه به فرهنگ و انقلاب فرهنگی است و در میان این تأکیدات، کمتر موردی را می‌توان یافت که از گستره‌ی دانشگاه بیرون باشد و تلویحاً یا تصریحاً چنین مقوله‌ای را شامل نشود. آن جا که آن حضرت می‌فرمایند:

«دانشگاه‌ها باید متحول بشود، دانشگاه‌های مستقل، متبدل بشود، فرهنگ ما باید متبدل بشود. فرهنگ استعماری، فرهنگ استدلال بشود و یا بدون تغییرات صحیح بنیادی و تحول فرهنگی و علمی، امکان تحول فکری نیست و باید کوشش همه جانبه از طرف دولت و کوشش دانشگاهیان، فرهنگیان و جوانان دانشجوی باشد تا به مقصد نزدیک شوید.»

(سیاست فرهنگی، صص: ۲۶۵-۲۶۶)

چنان توقعی از دانشگاه، نشانگر این مطلب است که نقش دانشگاه، فراتر از جایگاه آن در گذشته است و این نهاد در تمامی شئون جامعه؛ اعم از سیاست، فرهنگ و اقتصاد اثرگذار می‌باشد.

بنابراین، منشاء تحول دانشگاه‌ها از یک سو باید حافظ اعتلای ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی جامعه باشند و از سوی دیگر، مستلزم اشاعه‌ی

ارزش‌های جدید، آگاهی‌های جدید و فناوری مورد نیاز جامعه باشند. دانشگاه باید توانایی آشتی دادن این دو مؤلفه را داشته باشد.

دانشگاهی که وظایف فوق را خردمندان، منطقی و بایسته انجام دهد، نقش درخور خود را در توسعه، استقلال و اعتلای فرهنگی کشور ایفا خواهد نمود. با توجه به نقش خطیر وزارت و آموزش عالی، این وزارتخانه نیز از سوی دبیرخانه‌ی شورای فرهنگ عمومی به عنوان یکی از مجریان خاص اصول سیاست فرهنگی کشور معرفی شده است. (سیاست فرهنگی، ص: ۲۶۶) در ارزیابی عملکرد و جایگاه آموزش عالی قبل از هر چیز می‌بایست به اساس کار آن توجه نمود. بزرگترین رسالت مراکز علمی، تحقیقاتی و دانشگاهی؛ «تولید علم» است، زیرا همین تولید علم راهگشایی است برای توسعه‌ی صنعتی و اقتصادی و به تبع آن کلیدی است برای سایر ابعاد توسعه.

اکثر کشورهای در حال توسعه در سال‌های اخیر، رشد فزاینده‌ی تقاضای آموزش عالی را تجربه کرده‌اند. موج فزاینده‌ی تقاضای اجتماعی آموزش عالی در ایران در دو دهه‌ی اخیر یکی از چالش‌های بخش آموزش عالی کشور بوده است. *گاه‌علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

مهمترین عوامل رشد تقاضای آموزش عالی عبارتند از:

- رشد جمعیت و ترکیب سنی جوان (در سال‌های پس از انقلاب

اسلامی)

- افزایش انتظارات جامعه برای دستیابی به آموزش عالی

- عدم برنامه‌ریزی مناسب برای ایجاد اشتغال افراد دیپلمه

- شرایط جنگ تحمیلی و گرایش به تعویق انداختن سربازی از سوی

داوطلبان پسر، سیاست‌های سهمیه‌بندی و تسهیل و توزیع عادلانه‌ی



آموزش عالی (آموزش عالی/ص: ۴)

هرگونه تحلیل افزایش تقاضای آموزش عالی و مشخصه‌های آن از نظر ترکیب سنی، جنسی، گروه تحصیلی، نرخ‌های مشارکت و غیره؛ نه تنها نافی مسؤولیت بیشتر جمهوری اسلامی در این حوزه نیست بلکه نشان از اهمیت بیشتر نظام آموزش عالی دارد.

آموزش عالی ایران نیز مانند تمامی سازمان‌ها و ارگان‌ها دارای بخش‌هایی است که اهم آنها عبارتند از: شورای عالی انقلاب فرهنگی - وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی. چنانچه بخواهیم به مقولات تأثیرگذار در فضای دانشگاه پردازیم و از جمله به این سؤال پاسخ دهیم که تا چه اندازه هدف اسلامی شدن دانشگاه‌ها محقق شده، باید نگاهی اجمالی به ساختار نهادهای متولی این امر و همچنین اصول حاکم بر فعالیت‌های آموزش عالی داشته باشیم.

### رشد دانشجویان نظام آموزش عالی

پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، سرعت گسترش آموزش عالی خصوصی چنان بود که در سال ۱۳۷۶، تعداد دانشجویان مؤسسات دانشگاهی دولتی و خصوصی به حدود ۱/۲۰۰/۰۰۰ نفر رسید. بیش از ۵۱ درصد از مجموعه‌ی جمعیت دانشجویی در ایران در ۱۲۴ دانشگاه به تحصیل مشغول بوده‌اند.

در حدود دو دهه‌ی پیش، شمار دانشجویان در هر ۱۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت، فقط ۴۴۸ نفر بود. در سال ۱۳۷۷ این رقم ۱۸۸۸ نفر بوده است. رقم تخمین زده شده برای سال ۱۴۰۰، ۲۸۰۰ نفر است و رقم تعیین شده اگر

چه کمتر از حد آرمانی است، اما مفهومی معنی دار در آن نهفته است. به سخن دیگر، برای نخستین بار در عمر نظام آموزش عالی در جمهوری اسلامی ایران، توجه بسیاری به فراهم کردن زمینه‌ای منطقی برای توزیع عادلانه‌ی دانشجویان در همه‌ی استان‌ها مبذول شده است. این حرکت را می‌توان تمرکززدایی آموزش عالی نام نهاد. (آموزش عالی/ص: ۱۶)

به گفته‌ی کارشناسان، کف آموزش عالی در کشورهای پیشرفته، به ازای هر یکصد هزار نفر جمعیت، سه هزار دانشجو است و این رقم در کشورهای آمریکا و کانادا، دو برابر است و کشور ما با داشتن ۲ میلیون دانشجو، به کف کشورهای صنعتی می‌رسد. تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای که در سال ۱۳۶۷، برابر ۶۴/۳۷۸ نفر بوده به نحو چشمگیری افزایش یافته و به ۸۴/۳۸۶ نفر در سال ۱۳۷۱ رسیده است.

البته آمار و ارقام یاد شده، مربوط به دانشگاه‌های دولتی است که باید به آنها، تعداد دانشجویان دانشگاه آزاد - که خود رقم قابل توجهی است - را نیز افزود. چنانکه رییس دانشگاه آزاد اسلامی در پاییز سال ۱۳۸۲ گفت:

«دانشگاه آزاد اسلامی، بیش از ۵۰ درصد دانشجویان کشور را تحت پوشش قرار داده و دارای ۲۰ هزار عضو هیأت علمی و ۲۰۰ واحد دانشگاهی است و تاکنون توانسته است زمینه‌ی فارغ‌التحصیلی یک میلیون و ۳۰۰ هزار دانشجو را فراهم کند.»

بدین ترتیب می‌توان گفت شمار دانشجویان کشور در حال نزدیک شدن به عدد ۲ میلیون نفر است. رشد آموزش عالی در برخی مناطق، چشمگیرتر از مناطق دیگر است؛ از باب نمونه به گفته‌ی یکی از مسئولان آموزش عالی

شهرکرد، در این شهر پیش از انقلاب، فقط یک دانشکده با ۱۵ تا ۱۶ دانشجوی کشاورزی وجود داشت، ولی در حال حاضر دارای ۲۰ هزار دانشجو است. همچنین تعداد دانشجو در زنجان، نسبت به پیش از انقلاب، ۲۵۰ برابر افزایش یافته است. (مستندات ۲، آموزش عالی/ص: ۱۷)

وضعیت شاخص نسبت دانشجو به استاد در بخش دولتی از ۱۷٪ در سال ۱۳۵۷ به ۲۵٪ در سال ۷۷-۱۳۷۶ تضعیف شده است. ضمن این که در سال ۱۳۵۷، حدود ۹٪ اعضای هیأت علمی در رده‌ی استادی و حدود ۱۲٪ در رده‌ی دانشیاری و حدود ۳۰٪ در رده‌ی استادیاری بوده‌اند در حالی که در سال تحصیلی ۷۷-۱۳۷۶ این نسبت‌ها به ترتیب به حدود ۲/۵٪، ۵٪ و ۳۲٪ رسیده‌اند.

به عبارت دیگر، سهم رده‌های استادیاری به بالا، از ۴۹ درصد به ۴۰ درصد کاهش یافته است. در تضعیف شاخص‌های کیفی فوق؛ مشکلات، کمبودها و محدودیت‌های اعتباری، سهم مهمی داشته‌اند.

مقایسه‌ی بعضی شاخص‌های آموزش عالی در بخش دولتی:

شاخص/سال	۱۳۵۷	۱۳۷۷
تعداد دانشگاه	۲۲	۸۳
رشته‌های تحصیلات تکمیلی	۱۵۷	۳۲۱
نسبت دانشجو به استاد	۱۷	۲۵
سهم رده‌های استادیاری به بالا (درصد)	۴۹	۴۰

نامطلوب بودن نظام پرداخت به اعضای هیأت علمی و فقدان انگیزه‌های لازم برای ارتقای کیفیت کار و اشتغال بیش از حد به تدریس،

تأثیر مستقیم بر وضعیت کار آموزشی این بخش به لحاظ کمی و کیفی دارد. (آموزش عالی / ص: ۲۱) مسلماً این حجم دانشجو اسلامی شدن دانشگاه‌ها را دچار سختی بیشتری می‌کند.

**نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی در اسلامی شدن دانشگاه‌ها**

شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان بالاترین مرجع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی کشور شناخته شده و نقش قابل توجهی در اسلامی شدن دانشگاه‌ها برای آن پیش‌بینی شده است. اهم وظایف این نهاد عبارتند از:

الف) گسترش و نفوذ فرهنگ اصیل اسلامی در شئون جامعه و تقویت انقلاب فرهنگی و اعتلای فرهنگ عمومی جامعه. در این جا باید یادآور شویم به دلیل رخنه و رسوخ همه جانبه‌ی انقلاب و به تبع آن سایر گروه‌های اجتماعی - به دلیل این که دانشگاهیان همواره جزء گروه‌های مرجع به شمار می‌روند - تأسیس چنین نهادی برای پالایش فکری و عقیدتی این قشر و سایر مردم از شائبه‌های وارد شده در سال‌های پیش از انقلاب - که اندیشه‌ی ایران اسلامی را تحت تأثیر خود قرار داده بود - لازم و ضروری می‌نماید.

ب) تحول دانشگاه‌ها و مدارس و مراکز فرهنگی - هنری براساس فرهنگ صحیح اسلامی و گسترش و تقویت آنها به کمک متخصصان متعهد و نیروی فعال و ماهر و اساتید، مربیان و معلمان معتقد به اسلام و استقلال کشور که این امر یکی از ابزارهای راهبردی برای تحقق مورد «الف» می‌باشد.

ج) تعمیم سواد و استفاده از دستاوردها و تجارب مفید دانش بشری

برای نیل به استقلال فرهنگی و علمی که این امر در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی یا همواره مورد غفلت واقع شد و یا در راستای تحقق اهداف بیگانگان به کار گرفته شد.

(د) حفظ و احیاء و معرفی آثار و مآثر اسلامی و ملی.

### اسلامی شدن دانشگاه‌ها در سیاست‌های آموزش عالی

کارکرد آموزش عالی تنها به تولید علم ختم نمی‌شود، بلکه در توسعه و احیاء عرصه‌های مختلف تمدن اسلامی و ترویج اخلاق و معارف اسلامی، مقابله با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری و دینی نیز در زمره کارکردهای این نهاد است.

در اصل اول سیاست‌های آموزش عالی؛ بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن تاریخی و ملی، در عرصه‌های مختلف دینی، علمی، ادبی و هنری و فرهنگ عمومی و نگاهبانی از مآثر و موارث اسلامی و ملی و حفظ و احیاء دستاوردهای مثبت و ارزشمند تمدن اسلام و ایران مدنظر است. (سیاست فرهنگی، ص ۲۷۲) در اصل دوم؛ شناخت جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران و ترویج اخلاق و معارف اسلامی و معرفی شخصیت‌ها و عظمت‌های تاریخ اسلام و ایران آورده شده است.

اصل سوم؛ ناظر است بر ارتباط فعال با کشورها و ملت‌ها و تحکیم پیوند مودت و تقویت همبستگی با مسلمانان و ملل دیگر جهان.

اصل چهارم؛ شناخت فرهنگ و تجربه‌های بشری و استفاده از دستاوردهای علمی و فرهنگی جهانی، با بهره‌گیری از کلیه روش‌ها و ابزار مفید و مناسب آمده است.

اصل پنجم؛ مربوط به تحکیم وحدت ملی و دینی، با توجه به ویژگی‌های قومی و مذهبی و تلاش در جهت حذف موانع وحدت می‌باشد. اصل ششم تا دهم؛ ناظر هستند بر تلاش مستمر در جهت رشد علمی، فرهنگی و فنی جامعه و فراگیر شدن امر سواد و تعلیم و تربیت، اهتمام به امر زبان و ادبیات فارسی و تقویت و ترویج و گسترش آن، بسط زمینه‌های لازم برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت‌ها و حمایت از ابتکارات و ابداعات، پاسداری از حریت و امنیت انسان در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، قضایی و اقتصادی، فراهم ساختن شرایط و امکانات کافی برای مطالعه و تحقیق و بهره‌گیری از نتایج آن در همه‌ی زمینه‌ها. (سیاست فرهنگی، ص ۲۸۶)

در اصل یازدهم؛ تقویت تفکر و تعقل و قدرت نقادی و انتخاب در عرصه‌ی تلاقی و تعارض افکار و در اصل دوازدهم، مقابله با خرافات و موهومات، جمود و تحجر فکری، مقدس مآبی، ظاهرگرایی و مقابله با افراط در تجددطلبی و خودباختگی در برابر بیگانگان، تحت شعار واقع‌گرایی، پیش‌بینی گردیده است.

از اصل سیزدهم تا بیست و پنجم نیز ترویج روحیه‌ی قیام به قسط و عدالت اجتماعی ارزش دادن به کار و اهمیت بخشیدن به تلاش و کوشش در جهت استقلال و خودکفایی، در عین التزام به قناعت و مبارزه با روحیه‌ی اسراف و تبذیر، پرورش روح و جسم، با اهتمام همه‌جانبه به امر ورزش و تربیت بدنی، به عنوان یک ضرورت مهم اجتماعی، تقویت و احیاء و معرفی هنر اصیل و سازنده، در تمامی عرصه‌ها و زمینه‌های سازگار با روح تعالیم اسلامی، اهتمام و اقدام همه‌جانبه به منظور شناخت نیروها و نیازها و مقتضیات جسمی و روحی نسل جوان کشور و فراهم آوردن زمینه‌های

مناسب برای تکامل و تعالی شخصیت علمی و عقیدتی جوانان و مسؤولیت‌پذیری و حضور مستقیم و مشارکت هر چه بیشتر آنان در عرصه‌های مختلف حیات فردی اجتماعی، همچنین تقویت شخصیت و جایگاه واقعی زن مسلمان به عنوان مادر و ترویج و فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای ایفای نقش و رسالت اساسی خود به عنوان مربی نسل آینده و اهتمام به مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی، فرهنگی، هنری و سیاسی و مبارزه با بینش‌ها و اعتقادات نادرست در این زمینه، گسترش زمینه‌های مشارکت مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، علمی و همچنین حمایت از فعالیت‌ها و اقدامات غیردولتی به منظور همگانی شدن فرهنگ و توسعه‌ی امور فرهنگی با نظارت دولت، اتخاذ سیاست‌های ایجابی و مثبت در امور فرهنگی، هنری و اجتماعی و ایجاد مصونیت برای افراد و جامعه و اهتمام به جاذبه و رحمت و جامع‌نگری و دوران‌دیشی و شور و مشورت و پرهیز از خشونت و شتابزدگی و یکسونگری و استبداد رأی، آموزش و تشویق تقویت روح اجتماعی و مقدّم داشتن مصالح جمعی بر منافع فردی، احترام گذاشتن به قانون و نظم عمومی، به عنوان یک عادت و سنت اجتماعی و پیشقدم بودن دولت در دفاع از حرمت قانون و حقوق اشخاص، تلاش برای شناخت و معرفی ارکان هویت اصیل دینی و ملی، به منظور این هویت و همچنین به منظور استحکام و استمرار استقلال فرهنگی، گسترش روحیه‌ی نقد و انتقاد‌پذیری و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی، برای دعوت به خیر و همگانی شدن امر به معروف و نهی از منکر، بر مبنای حکمت، موعظه‌ی حسنه، شرح صدر و جدال به آنچه احسن است، توسعه و اعتلای تبلیغات فرهنگی و هنری به نحو مناسب به منظور ترویج و تحکیم

فضائل اخلاقی و در اصل آخر نیز توجه به فرهنگ و هنر روستا به منظور بالا بردن سطح فرهنگی در روستاها و همچنین خلاقیت‌های اصیل و با ارزش روستایی و عشایری مورد نظر قانونگذار بوده است.

با یک نگرش اجمالی به این اصول و سیاست‌ها ملاحظه می‌شود که تقریباً هیچ نکته‌ای از قلم نیفتاده است. اما چرا با این سیاست‌های متعالی، دانشگاه اسلامی محقق نشده است؟ پاسخ سؤال ناگفته مشخص است هیچ قانون مترقی و جامع، دلیل و علت کافی برای توجیه نارسایی‌ها نیست؛ چه قانون‌هایی که ننوشته و اجرا نمی‌شوند و چه بسیارند قانون‌هایی که نوشته و اجرا نمی‌شوند! برای رسیدن به دانشگاه اسلامی نیاز به راه‌کارها و نهادهای اجرایی عینی‌تری است. اما آنچه در اینجا قابل ذکر می‌باشد این است که در شورای عالی انقلاب فرهنگی، پس از شور و مشورت زیاد چنین نهادی نیز به موجب قانون تأسیس گردیده است! نگاهی به شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی به عنوان یکی از متولیان تحقق شعار یا هدف دانشگاه اسلامی، مفید خواهد بود.

### شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی

شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی به تبعیت از اوامر مقام معظم رهبری و براساس مصوبه‌ی جلسه ۴۰۲ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۴ شورای عالی انقلاب فرهنگی تشکیل شده است. این شورا از بدو شروع به فعالیت در تاریخ ۱۳۷۶/۶/۱۱ تاکنون بیش از ۷۰ جلسه تشکیل داده است. براساس آیین‌نامه‌ی شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها، مصوب جلسه ۴۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۵/۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی، تدوین و پیشنهاد سیاست‌های



مرتبط با اسلامی شدن و تدوین راهبردهای مناسب در اولویت‌های کاری شورا قرار گرفته و این شورا از ۱۳ نفر تشکیل شده است.

احکام اعضاء و رییس شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی توسط رییس شورای عالی انقلاب فرهنگی برای مدت ۳ سال صادر می‌شود و طبق ماده ۳ این مصوبه به منظور پیگیری امور اجرایی مربوط به اسلامی شدن مراکز آموزشی، هریک از دستگاه‌های اجرایی موظفند ستاد گسترش و تعمیق اسلام در مراکز آموزشی دستگاه مربوطه را تشکیل داده و گزارش اقدامات انجام شده را هر سه ماه یک بار به شورا ارائه نمایند. (تدوین روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها ۱۳۸۳/ص: ۷)

در مصوبه جلسه ۴۳۳ مورخ ۱۳۷۷/۹/۱۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی اصول حاکم در دانشگاه اسلامی بیان شده است.

یکی از سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن دانشگاه‌ها در حوزه‌ی اساتید، فراهم آوردن زمینه‌های مساعد قانونی و اجرایی برای جذب و گزینش استادان شایسته و پایبندی به مبانی و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی و دیگری ارتقاء سطح دانش و معرفت دینی، سیاسی و اجتماعی استادان متناسب با رشته‌ی تخصصی، علائق و تجارب آنان می‌باشد.

در زمینه‌ی سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن دانشجویان، ارتقای سطح بینش اسلامی و اعتقادی دانش‌آموزان برای ورود به آموزش عالی با توجه به پیوستگی و تلازم میان نظام آموزش عالی با نظام آموزش و پرورش و دیگری تشویق و زمینه‌سازی به منظور مادام‌العمر تلقی کردن تحصیل علم به عنوان یک ارزش و فریضه‌ی اسلامی است و در زمینه‌ی متون و برنامه‌ریزی درسی، باید بر هماهنگی و تناسب متون اخلاق و معارف

اسلامی با نیازهای جدید و رشته‌های جدید، توجه شود. (تدوین روابط عمومی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها ۱۳۸۳/صص: ۲۴-۲۱)

آنچه مبرهن است، شورای اسلامیه شدن مراکز آموزشی اهتمام جدی برای عملیاتی کردن هدف دانشگاه اسلامی دارد. از مصوبات و فعالیت‌های انجام شده‌ی شورا در طی جلسات مورخ ۸۳/۳/۲۶ لغایت ۸۳/۶/۳۱ که در محل دفتر ریاست جمهوری برگزار گردیده چنین بر می‌آید که با انواع روش‌های تبلیغی و ترویجی قصد مقابله با جریانات ضد اسلامی و تأثیرگذار بر فضای اسلامی شدن دانشگاه‌ها وجود دارد. برخی از این مصوبات به شرح ذیل است:

- \* مقرر شد رشته‌ای برای تربیت اساتید معارف اسلامی ایجاد شود.
- \* ضمن موافقت اعضاء با تأسیس «مؤسسه‌ی عالی آموزشی و پژوهشی» با اهداف تربیت مدرسان معارف اسلامی در گرایش‌های مربوط و وابسته به نهاد نمایندگی، مقرر شد اساسنامه‌ی مؤسسه‌ی مذکور از طرف نهاد نمایندگی به شورای گسترش آموزش عالی ارائه گردد.
- \* مقرر شد در درس‌های تفسیر قرآن؛ تفسیر موضوعی نهج البلاغه؛ درس اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم، عرفان علمی اسلام)؛ مبانی نظری اسلامی (اندیشه‌ی اسلامی، بحث مبدأ و معاد، بخش پرستش و...) فصل‌ها و ظرفیت‌های مناسب و کافی برای پرداختن به معارف و اسرار نماز گنجانده شود.

\* پس از استماع گزارشی در زمینه‌ی اقامه‌ی نماز و وضعیت امامان جماعت در مراکز وابسته به وزارت آموزش و پرورش، مقرر شد دیدگاه‌های مطرح شده جمع‌بندی شود و جهت ارتقاء کمی و کیفی بحث اقامه نماز و

وضعیت ائمه‌ی جماعات دربارہ‌ی برنامه‌ریزی‌های آینده دستگاہ لحاظ گردد.

\* مقرر شد برای آسیب‌شناسی بحث نماز، جریان مستمر پژوهشی و مطالعاتی پیش‌بینی شود تا با بررسی دستاوردها و استفاده از یافته‌های پژوهشی، کار از نظر کمی و کیفی بهبود یابد.

\* مقرر شد در راستای تقویت انگیزه، همزمان با توسعه‌ی کمی، به محتوا و کیفیت و اثربخشی فعالیت‌ها هم توجه شود.

\* مقرر شد ستاد عالی اقامه‌ی نماز تشکیل گردد.

\* مقرر شد بخشی از بودجه‌ی دانشگاه‌ها برای ترویج نماز اختصاص یابد. برای تأمین بودجه‌ی مورد نظر، مقرر شد در اولین فرصت با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی جلسہ‌ای تشکیل شود و موضوع ردیف مشخص و معین برای نماز به سرانجام برسد. (شورای عالی انقلاب، صص: ۴۸۹-۴۹۵)

شورای اسلامی شدن طی جلسات یک و نیم ساله‌ی خود آسیب‌شناسی نماز را در مراکز آموزشی، از نظر کمی و کیفی مورد توجه قرار داده است، اما باز هم تا تحقق هدف اسلامی شدن مراکز آموزشی راهی طولانی در پیش است و می‌توان به وضوح کاستی‌های فراوانی را در این راه ملاحظه کرد. نماز بدون توجه به متون آموزش معارف دینی و سیاست‌های فرهنگی مؤثر نمی‌تواند منشأ تحولات جدی در دانشگاه‌ها باشد. از این رو شورای عالی انقلاب فرهنگی، دست به تدوین سیاست‌های ارتقای فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها زده است که مرور این امر نیز ما را در یافتن پاسخ سؤال مدد می‌رساند.

## سیاست‌های ارتقای فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه‌ی ۵۳۱ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۹؛ اصول حاکم؛ سیاست‌ها و آیین‌نامه‌های دیگری را در آموزش عالی برای ترویج فرهنگ اسلامی و ارتقای فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها را به این شرح تصویب کرده است:

تبیین و معرفی اصول و ارزش‌های اسلامی و دفاع از آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران

\* تقویت و گسترش روحیه تعهد به کشور، خدمت به مردم و استقلال فرهنگی

- معرفی جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران

- اهتمام و اولویت بخشیدن به فعالیت‌های فرهنگی دینی

- بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن دینی و ملی

\* تقویت عناصر مثبت فرهنگی از قبیل تفکر و قدرت نقادی،

خودباوری، امید به آینده، احترام به حقوق دیگران، نظم‌پذیری، وجدان

کاری و احترام به قانون

\* رعایت موازین و احکام اسلامی در فعالیت‌های فرهنگی و هنری

\* ایجاد زمینه‌ی مناسب برای بهره‌گیری مطلوب و متعادل فرهنگی و

هنری از اوقات فراغت

به منظور تحقق اصول حاکم بر فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه،

سیاست‌ها و جهت‌گیری‌های زیر برای برنامه‌ریزی و تدوین راه‌کارهای

اجرائی ابلاغ می‌گردد:

\* اجرایی کردن سیاست‌های اسلامی شدن مراکز آموزشی

\* تعریف مفاهیم و تبیین شاخص‌ها و حد مطلوب آن در فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها

\* بهبود نظام و روش‌های برنامه‌ریزی، نظارت، ارزیابی و ارتقای اثربخشی فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها با تعیین معیارهای لازم در سطح ستاد گسترش و تعمیق اسلام در دانشگاه‌ها

\* تأکید بر مسوولیت مستقیم رییس دانشگاه در امور فرهنگی دانشگاه  
\* انتخاب و انتصاب مدیران فرهنگی دانشگاه متناسب با روح حاکم بر اصول و سیاست‌های مذکور در این مصوبه و بهبود مدیریت و روش‌های علمی آن از طریق آموزش منابع انسانی

\* تأکید بر نقش محوری شورای فرهنگی در برنامه‌ریزی، نظارت و هدایت و اولویت‌بندی فعالیت‌های فرهنگی  
\* اهتمام به تشویق افراد فعال فرهنگی و جلوگیری از رفتارهای نامتناسب با شأن و کرامت دانشگاه

\* ایجاد هماهنگی بین نهادهای رسمی در دستگاه و دانشگاه در انجام فعالیت‌های فرهنگی با توجه به شرح وظایف هر یک از آنها و نهادینه کردن آن

\* استفاده‌ی بیشتر از نقش تربیتی اعضای هیأت علمی در فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه و بهره‌گیری از شخصیت‌های علمی، فرهنگی و دینی بیرون از دانشگاه در گسترش و تعمیق فعالیت‌های فرهنگی

\* تقویت مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فرهنگی و ضابطه‌مند کردن کلیه‌ی فعالیت‌های دانشجویی

\* ایجاد توازن در عرصه‌ی فعالیت‌های فرهنگی، هنری و اجتماعی و

توسعه‌ی فعالیت‌های دانشجویی متناسب با منابع، توانایی‌ها و ویژگی‌های علمی هر دانشگاه

آیین‌نامه‌های اجرایی اسلامی شدن دانشگاه‌ها به شرح ذیل پیش‌بینی می‌شود:

✳️ آیین‌نامه‌ی اجرایی سیاست‌های فوق در کمیته‌ای با مسؤولیت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و عضویت نمایندگان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، جهاد دانشگاهی و نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها حداکثر تا ۶ ماه پس از ابلاغ این مصوبه در نسخه‌ی واحد به تصویب رسیده و با امضای بالاترین مقام هر دستگاه یا نهاد ابلاغ خواهد شد.

✳️ هیأت نظارت و بازرسی موظف است ضمن نظارت بر اجرای این مصوبه، گزارش عملکرد یکساله‌ی هر یک از دستگاه‌های مذکور را در راستای تحقق این مصوبه در شهریور ماه هر سال دریافت و به شورای عالی انقلاب فرهنگی ارائه دهد. (شورای عالی انقلاب فرهنگی/ص: ۶۲)

همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی به منظور حمایت از دختران مسلمان محجبه‌ی دانشگاه‌های فرانسه، آلمان و ترکیه در دانشگاه‌های ایران و الگوسازی و ترویج فرهنگ پاسداری از حجاب اسلامی دانشجویان، در جلسه‌ی ۵۴۵ مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۷ امکان ادامه‌ی تحصیل دانشجویان دختر مسلمان محجبه‌ی دانشگاه‌های فرانسه، آلمان و ترکیه در دانشگاه‌های ایران را به شرح زیر تصویب کرد:

دانشجویان دختر مسلمان محجبه‌ی دانشگاه‌های فرانسه، آلمان و ترکیه در صورت تمایل می‌توانند در همان رشته و در چارچوب ضوابط و مازاد بر

سهیمه موجود در دانشگاه‌های ایران به تحصیل خود ادامه دهند. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نیز دانشگاه آزاد اسلامی موظفند تمهیدات لازم را در این خصوص فراهم نمایند.

همچنین به سازمان کنفرانس اسلامی و سایر مجامع علمی و فرهنگی جهان اسلام پیشنهاد می‌شود برای تأسیس دانشگاه در کشورهایی که دختران مسلمان از داشتن حجاب منع شده‌اند اقدامات بایسته را به عمل آورند. (شورای عالی انقلاب، ص: ۱۲۴)

### **اهداف و سیاست‌های ناظر بر برگزاری اردوهای دانشجویی**

درگامی دیگر شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه‌ی ۵۳۴ مورخ ۸۲/۱۲/۵، اهداف و سیاست‌های برگزاری اردوها را نیز به این شرح تصویب می‌کند:

به منظور ایجاد نظم و هماهنگی و فراهم آوردن زمینه‌ی مناسب برای برگزاری اردوهای دانشجویی؛ اهداف و سیاست‌های ناظر بر این اردوها به شرح ذیل تعیین می‌شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

ماده ۱ - تعریف اردو

مقصود از اردو در این مصوبه، سفر دسته جمعی گروهی از دانشجویان با مقاصد علمی، آموزشی، فرهنگی، زیارتی، سیاحتی و ورزشی می‌باشد که با مجوز مراجع ذی‌ربط برگزار می‌شود.

ماده ۲ - اهداف اردو

\* ایجاد بستر مناسب برای تمرین یک زندگی دسته جمعی منبعث از

ارزش‌های اسلامی

- \* تقویت و تحکیم بنیه‌ی اعتقادی، اخلاقی جوانان و نوجوانان
  - \* کسب تجربه در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی
  - \* کمک به فرآیند اجتماعی شدن و ارتقای مهارت‌های اجتماعی
  - \* ایجاد زمینه‌ی مناسب برای رشد و شکوفایی استعداد‌های فردی
  - \* افزایش آگاهی‌های عمومی در زمینه‌ی تاریخ، جغرافیا و فرهنگ ایران و جهان و آشناسازی شرکت‌کنندگان با تاریخ و تمدن ایران و اسلام
  - \* گسترش و تعمیق مهارت‌های فردی و ارتقای سطح هوشیاری و قدرت درک و دریافت شرکت‌کنندگان
  - \* جهت‌گیری ویژه برای تعمیق روحیه‌ی وطن‌خواهی و دلبستگی به کشور
  - \* آشناسازی شرکت‌کنندگان با شرایط معیشتی مردم در مناطق محروم
- ماده ۳- سیاست‌های ناظر بر برگزاری اردو
- \* در برگزاری اردوها، تدارک برنامه‌ها می‌بایست جذابیت، تنوع، نشاط و شادابی و نیز مشارکت فعالانه‌ی شرکت‌کنندگان مورد توجه قرار گیرد.
  - \* برنامه‌ها می‌بایست با نیازهای عاطفی، اجتماعی و جسمی شرکت‌کنندگان در جنسیت و مقاطع مختلف تحصیلی مطابقت داشته باشد و تنوع و تعداد اردوها به نحوی لحاظ گردد که ذائقه‌ی شرکت‌کنندگان را پوشش دهد.
  - \* دوره‌های آموزشی مستقیم و غیرمستقیم کوتاه مدت در برخی اردوهای خاص مورد توجه قرار گیرد.
  - \* در برگزاری و اجرای اردوها می‌بایست تمهیدات و اقدامات مقتضی به منظور تأمین کامل امنیت فردی و جمعی شرکت‌کنندگان پیش‌بینی و اعمال شود.



ماده ۴ - تهیه آیین نامه‌ی اجرایی

دستورالعمل اجرایی اردوهای دانشجویی مطابق با این سیاست‌ها ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این مصوبه توسط کمیته‌ی مشترک و زارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و با امضای وزرای این وزارتخانه‌ها به دانشگاه‌ها و واحدهای تابعه ابلاغ می‌شود.

\* دستورالعمل اجرای یاردوهای دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی ظرف مدت شش ماه از تاریخ تصویب این سیاست‌ها توسط این دانشگاه تهیه و با امضای رییس دانشگاه آزاد اسلامی به دانشگاه‌ها و واحدهای تابعه‌ی این دانشگاه ابلاغ می‌شود.

ماده ۵ - هیأت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی مسؤولیت نظارت و پیگیری این مصوبه را برعهده خواهد داشت. (شورای عالی انقلاب فرهنگی / ص: ۷۴)

**ماده واحده‌ی مقررات سفرهای دانشجویی، الحاقی به آیین نامه‌ی**

**حفظ حدود و آداب اسلامی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی**

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۳۰ مورخ ۱۳۸۲/۹/۲۵ ماده واحده‌ی مقررات سفرهای دانشجویی الحاقی به آیین نامه‌ی حفظ حدود و آداب اسلامی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی (ابلاغیه‌ی شماره‌ی ۱۹۰۸/ رش مورخ ۱۳/۵/۶۶) را به شرح زیر تصویب کرد:

**ماده واحده: سفرهای دانشجویی مشمول مقررات ذیل خواهد بود**

۱ - سفرهای دانشجویی باید با تصویب و صدور مجوز توسط شورای

فرهنگی دانشگاه انجام شود.

تبصره ۱: مقصود از سفر دانشجویی، کلیه‌ی مسافرت‌های فرهنگی و بازدیدهای علمی دسته‌جمعی گروهی از دانشجویان یک دانشگاه است که به منظور زیارت، سیاحت و تفریح با مجوز شورای فرهنگی دانشگاه برگزار می‌شود.

تبصره ۲: واحدهای برگزارکننده‌ی اردوی دانشجویی غیردولتی خارج از دانشگاه، می‌بایست نسبت به اخذ مجوز از شورای فرهنگی دانشگاه اقدام نمایند.

تبصره ۳: سفرهای درسی و پژوهشی - که با حضور استاد و مجوز گروه آموزشی دانشکده برگزار می‌شود - از شمول این مصوبه مستثنی می‌باشد.  
۲ - برگزاری اردوهای مختلط (دختر و پسر) صرفاً با تأیید مکتوب مرجع صادرکننده‌ی مجوز قابل اجرا است.

۳ - در سفرهای دانشجویی، محل برگزاری اردو و مسیر آن در اطلاق مقررات به منزله‌ی محدوده‌ی دانشگاه محسوب و در این مدت رعایت مقررات انضباطی دانشگاه و سایر مقررات مربوط الزامی است.

۴ - دستورالعمل اجرایی موضوع این الحاقیه توسط بالاترین مقام دستگاه مربوط برای اجرا ابلاغ می‌شود.

قابل ذکر است که برنامه‌ریزی و اعزام ۳۰۱۷۰ نفر به عمره‌ی مفرده در طول سال‌های ۸۲ و ۸۳ و برنامه‌ریزی و اعزام ۱۸۰۰ نفر به زیارت مرقد حضرت زینب (سوریه) در طول سال‌های ۷۶ تا ۸۳ انجام شده است.  
(شورای عالی انقلابی، ص: ۵۶)

عناوین جدید دروس معارف اسلامی در راستای تحقق دانشگاه اسلامی هر فرد نا آشنا با فضای دانشگاهی، این نکته به ذهنش خطور می کند که بهتر آن نیست که دانشگاه اسلامی را با آموزش معارف اسلامی محقق کنیم؟ چه بسا متون گذشته برای ایجاد نگرش اسلامی در دانشجویان از کارایی لازم برخوردار نبوده است. شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ی ۵۴۲ مورخ ۸۳/۴/۲۳، به پیشنهاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (نامه شماره ۲/۲۲۹۶ مورخ ۸۳/۳/۲۳) به همین منظور عناوین سرفصل دروس جدید یا نگرشی جدید به معارف اسلامی را به شرح زیر تصویب و پس از تصویب در شورای اسلامی شدن مراکز آموزشی، به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی ابلاغ نمود:

۱- دروس عمومی معارف اسلامی در پنج گروه و با عناوین درسی می باشند:

گرایش	کد درس	عنوان درس	واحد	ساعت
۱- مبانی نظری اسلام	۰۱۱	اندیشه اسلامی ۱ (مبدأ و معاد)	۲	۳۲
	۰۱۲	اندیشه اسلامی ۲	۲	۳۲
	۰۱۳	(نبوت و امامت)	۲	۳۲
	۰۱۴	انسان در اسلام حقوق اجتماعی و سیاسی در اسلام	۲	۳۲
۲- اخلاق اسلامی	۰۲۱	فلسفه اخلاق (با تکیه بر	۲	۳۲
	۰۲۲	مباحث تربیتی)	۲	۳۲
	۰۲۳	اخلاق اسلامی (مبانی و مفاهیم)	۲	۳۲
	۰۲۴	آیین زندگی (اخلاق کاربردی) عرفان عملی اسلام	۲	۳۲

۳۲	۲	انقلاب اسلامی ایران	۰۳۱	۳- انقلاب اسلامی
۳۲	۲	آشنایی با قانون اساسی	۰۳۲	
۳۲	۲	جمهوری اسلامی اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)	۰۳۳	
۳۲	۲	تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی	۰۴۱	۴- تاریخ و تمدن اسلامی
۳۲	۲	تاریخ تحلیلی صدر اسلام	۰۴۲	
۳۲	۲	تاریخ امامت	۰۴۳	
۳۲	۲	تفسیر موضوعی قرآن	۰۵۱	۵- آشنایی با منابع اسلامی
۳۲	۲	تفسیر موضوعی نهج البلاغه	۰۵۲	

۲- گذراندن حداقل ۴ واحد از دروس مزبور برای دانشجویان دوره‌های  
کاردانی و حداقل ۱۲ واحد برای دانشجویان دوره‌های کارشناسی،  
کارشناسی ارشد پیوسته و دکترای حرفه‌ای الزامی است.

۳- دانشجویان دوره‌های کاردانی موظفند یکی از دروس خود را از گروه  
«مبانی نظری اسلام» و درس دوم را از گروه دروس «اخلاق اسلامی» انتخاب  
کنند.

۴- دانشجویان دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد پیوسته و دکترای  
حرفه‌ای موظفند دو درس خود را از گروه «مبانی نظری اسلام» و یک درس را  
از هر یک از چهار گروه دیگر انتخاب کنند.

۵- دانشجویان دوره‌های کارشناسی ناپیوسته با توجه به گذراندن چهار  
واحد درسی در دوره‌ی کاردانی صرفاً موظفند چهار درس از چهار گروه  
«مبانی نظری اسلام»، «انقلاب اسلامی»، «تاریخ تمدن اسلامی» و «آشنایی با  
منابع اسلامی» را انتخاب کنند.

۶- دانشجویان اقلیت‌های دینی می‌توانند دروس مورد نظر خود را بدون هیچ محدودیتی از بین کلیه‌ی دروس مندرج در جدول دروس عمومی معارف اسلامی انتخاب کرده و بگذرانند. (شورای عالی انقلاب، ص: ۱۰۴)

آیا این تغییرات می‌تواند ما را به هدف اصلی در راه تحقق دانشگاه اسلامی برساند؟

### نقش شکل‌های دانشجویی در دانشگاه اسلامی

اهداف عمده توسعه‌ی فعالیت‌های دانشجویی در طی سال‌های ۷۶ تا ۸۳ به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) اهداف مشارکت‌جویانه: استفاده از پتانسیل‌ها و توانمندی‌های دانشجویان در تکمیل و تقویت کارکردهای دانشگاه در سه حوزه‌ی آموزش، پژوهش و فناوری.

ب) اهداف تربیتی: رشد و بالندگی اجتماعی و ارتباطی دانشجویان؛ در نتیجه، قرار گرفتن در نقش‌های اجتماعی جدید، توسعه‌ی ارتباطات و تعاملات فردی و گروهی و نیز تمرین فعالیت گروهی.

اهم اقدامات انجام شده جهت دستیابی به اهداف یاد شده عبارتند از:

۱-۲- تصویب و اجراء آیین‌نامه‌های زیر، قانون‌مند کردن و حمایت از تشکیل شکل‌های علمی و صنفی دانشجویان جهت تنوع‌بخشی به فعالیت‌های دانشجویی و قانون‌مند کردن فعالیت‌های مورد توجه دانشجویان.

### چالش‌ها و نقاط ضعف و قوت در راستای اسلامی شدن دانشگاه‌ها

به طور کلی در حوزه و موضوعات کاری نظام آموزش عالی، ملاحظه می

شود که چالش‌ها و نقاط ضعف و قوت زیادی در راستای اسلامی شدن دانشگاه‌ها وجود دارد.

برخی از مهمترین مسائل مورد نظر عبارتند از:

\* لزوم ساماندهی مدیریت فرهنگی کشور و آنچه خارج از دانشگاه‌ها بر دانشجویان و جو اسلامی دانشگاه مؤثر است. در راستای تحقق رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، تعیین ویژگی‌های فرهنگ ملی - اسلامی، تعیین الگو و طبقه‌بندی موضوعات در مهندسی فرهنگی کشور، طراحی نظام رصد فرهنگی کشور.

\* ضعف در نظارت، پیگیری سیاست‌گذاری‌ها در راستای ایجاد و تقویت ارزش‌های اساسی فرهنگ اسلامی

\* عدم کمک به استقلال طلبی، آزادی مشروع، مشارکت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دانشجویان

\* عدم بسط و گسترش عدالت اجتماعی و حمایت از محرومان، خودکفایی علمی و نهضت نرم‌افزاری

\* عدم التزام علمی به دین اسلام، ایثارگری و شهادت طلبی، حفظ و احیای هویت دینی و ملی و مبارزه با تهاجم فرهنگی بیگانه و همچنین کمک به اسلامی شدن مراکز آموزشی و فرهنگی، حفظ کیان خانواده و تأکید بر جایگاه زنان، جوانان و نخبگان در جامعه از طریق مطالعات و پژوهش‌های علمی و اتخاذ سیاست‌های مناسب

\* عدم هدایت و حمایت از فعالیت‌ها و اشتغال هنری در بخش‌های خصوصی و دولتی

\* فقدان محتوای بخشی و ارتقای سطح فعالیت‌های فرهنگی در

دانشگاه‌ها از طریق تبیین و معرفی اصول و ارزش‌های اسلامی، عدم تقویت و گسترش روحیه‌ی تعهد به کشور، خدمت به مردم و استقلال فرهنگی، معرفی جامع فرهنگ و مدنیت اسلام و ایران، اهتمام و اولویت بخشیدن به فعالیت‌های فرهنگی دینی، بازشناسی و ارزیابی موارث و سنن دینی و ملی، عدم مطلوبیت فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها، بهبود نظام و روش‌های برنامه‌ریزی، تأکید بر مسؤولیت مستقیم رییس دانشگاه در امور فرهنگی دانشگاه، تأکید بر نقش محوری شورای فرهنگی در برنامه‌ریزی، نظارت و هدایت و اولویت‌بندی فعالیت‌های فرهنگی

\* حقوق و مسؤولیت‌های اشتغال و مشارکت اقتصادی و

مسؤولیت‌های فردی زنان و دختران تعریف نشده به لحاظ سنن دیرین

\* بی‌تحریکی پژوهشی و عدم ارتقاء سطح علم و فناوری، در خصوص

حداقل مطلوب شاخص‌های کلان علم و فناوری و تهیه‌ی گزارش آن

\* ارتقاء سطح تعلیم و تربیت در بخش ارزیابی آموزش عالی از طریق

تدوین و ویرایش نهایی شاخص‌های ارزیابی خرد و کلان آموزش،

جمع‌آوری اطلاعات و تدوین چارچوب گزارش تحلیلی آموزش، پیگیری

اجرای تحقیق با عنوان توصیف و تحلیل روند بخش آموزش عالی طی

برنامه‌های اول، دوم و سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

جمهوری اسلامی ایران (از دیدگاه مدیریتی)

\* در زمینه‌ی ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی می‌توان گفت که عدم

مسؤولیت‌پذیری در برخی از امور، رعایت نشدن قانون و انضباط اجتماعی

توسط برخی از افراد، رواج مادی‌گری و تجمل‌گرایی در میان افراد جامعه،

افزایش فاصله‌ی طبقاتی میان اقشار غنی و فقیر جامعه

\* در خصوص فارغ‌التحصیلان رشته‌های هنری در پست‌های هنری نیز چالش‌هایی وجود دارد؛ عدم بهره‌گیری مطلوب و متعادل فرهنگی و هنری از اوقات فراغت، نبود نظارت دقیق فعالیت‌های فرهنگی در دانشگاه‌ها با تعیین معیارهای لازم در سطح ستاد گسترش و تعمیق اسلام در دانشگاه‌ها، رفتارهای نامتناسب با شأن و کرامت دانشگاه.

\* در زمینه‌ی فرهنگ کار و اشتغال‌زایی، توجه نداشتن به سن قانونی کار و نبود آزادی انتخاب شغل و استفاده از سرمایه‌های فردی، عدم توجه به حق مزد و مزایای برابر در شرایط کار مساوی مردان و زنان، فراهم نبودن امنیت شغلی و مانند آن با نقایص و نارسایی‌های برنامه‌ریزی در مجامع آموزشی و فرهنگی کشور همراه بوده است.

\* عدم توانایی برنامه‌ریزی جهت جلوگیری از فرار مغزها

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

به قول یکی از بزرگان؛ یکی از حلقه‌های مفقوده‌ی آموزش عالی ایران این است که آموزش عالی و اصولاً آموزش در ایران برای فراگیری است نه برای رفع نیازهای مردم، برای توسعه نیست و همچنین برای صنعت و کشاورزی و اداره‌ی درست‌تر جامعه نیست و برای مشاوره دادن خانواده‌ها و افراد جامعه‌ها نیست. پس این مسأله باید حل شود؛ یعنی هدف‌دار کردن آموزش عالی. لذا هدفمند کردن و سامان دهی آموزش عالی و ارتباط دادن آموزش‌های عالی با نیازهای جامعه، اولین ضرورت اجرایی است.

در واقع دانشگاهی اسلامی است که بیش از هر چیز به هدف‌هایش معطوف باشد و دچار عمل‌زدگی و شعارزدگی نشده باشد. دوم آن که



دانشگاه اسلامی و فضای دانشگاهی یک جزیره‌ی مستقل فرهنگی نیست که بتوان برای همه حوزه‌های آن نسخه‌ی جداگانه نوشت! به بیان صریح‌تر؛ دانشگاه جزئی از کل نظام اجتماعی است و نباید درباره‌ی فضای اسلامی و فرهنگی آن غلو شود. البته این امر مغایر الگو و پیشرو بودن دانشگاه نیست. نکته‌ی سوم؛ امکانات و اختیارات دانشگاه در شش حوزه‌ی نامبرده به یک میزان نیست، اما آنچه مسلم است نقطه‌ی شروع اسلامی شدن دانشگاه‌ها، نه عضویت در تشکل‌ها و کانون‌های فرهنگی یا سیاسی و یا صنفی است و نه صرفاً پرداختن به امور دینی است. اساس در دانشگاه، نوآوری و فتح قله‌های علم غربی و شرقی است و این مهم در کنار آزاداندیشی و روحیه نقدپذیری به دست می‌آید. نظم و انضباط منطقی، جوهر و ماهیت اصلی کار علمی در دانشگاه است. توجه به جنبش تولید علم و دانش و پرهیز از افراط و تفریط یک وجه مهم دانشگاه اسلامی است. اگر به عنوان یک واقعیت قبول کنیم که در فن‌آوری علمی، تحقیقات و تولید علم، ما در آموزش عالی نسبت به استاندارد جهانی دچار عقب ماندگی، مصرف‌کنندگی هستیم، در این صورت، تکلیف اسلامی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی - که پایگاه‌های اصلی فرهنگ‌ساز در جامعه‌ی اسلامی محسوب می‌شوند - به کارگیری همه‌ی توان خود جهت حمایت سخت‌افزاری از کشور است.

نقطه‌ی شروع اسلامی شدن دانشگاه‌ها از خود مسؤولان و نخبگان است. هر چه سطح تقوا بیشتر باشد، مسؤولیت‌پذیری بالاتر است. یک دانشگاه وقتی اسلامی است که ابتکار علمی داشته و بتواند با ابتکار عمل و با آینده‌نگری تلاش کند.

ارزیابی عملکرد دانشگاه اسلامی در آموزش عالی نشان می دهد:  
 \* فقدان دیدگاه جامع درباره‌ی آموزش عالی اسلامی و چگونگی توسعه‌ی آن

- \* محدودیت‌های اسلامی و ظرفیت‌های اجتماعی
- \* اتکای بیش از حد دانشگاه‌ها به تشکل‌های محدود دانشگاه
- \* فقدان نظام ارزیابی درونی و بیرونی
- \* فقدان استقلال در اداره‌ی امور اسلامی دانشگاه‌ها
- \* افزایش سؤالات در امور اسلامی دانشگاه‌ها
- \* عدم پذیرش نقش پیشبردی دانشگاه‌ها در اشاعه‌ی علم اسلامی
- \* عدم وجود زمینه‌های لازم برای افزایش مشارکت اسلامی همه‌ی دانشجویان

- \* عدم علاقه‌ی خانواده‌ها به مشارکت اسلامی فرزندانشان در اداره‌ی امور اسلامی دانشگاه‌ها
- \* تراکم شدید تقاضای اجتماعی آموزش عالی
- \* ضعف نظام پاسخگویی اسلامی دانشگاه‌ها
- \* ترکیب نامناسب، غیر منعطف، ناکافی و تمرکز شدید در تصمیم‌گیری امور اسلامی دانشگاه‌ها

- \* روند رو به رشد افزایش سهم زنان در تقاضای آموزش عالی و کاهش اصولی مشارکت مردان در آموزش عالی
- \* وجود ذخیره‌ی جمعیتی جوان و منابع انسانی وافر که با انتخاب و هدایت صحیح این منابع بالقوه، می‌توان ذخیره‌ی سرمایه‌ی انسانی قابل توجهی به لحاظ کمی و کیفی در یک برهه‌ی زمانی مناسب ایجاد کرد.

\* عدم توانایی در اصلاح نظام مدیریت و برنامه‌ریزی امور اسلامی دانشگاه‌ها

\* افزایش سهم زنان در مقاطع تحصیلی آموزش عالی.

به جرأت می‌توان گفت که؛ یکی از عواملی که باعث عدم تمایل دانشجویان به دین می‌شود ضعف دستگاه تبلیغاتی دینی درون دانشگاهی علاوه بر عوامل فوق است. در حالی که محتوای اسلام با زندگی عملی ما سروکار دارد و با عقل؛ خدا و توحید را اثبات می‌کند. از دیگر عوامل، ضعف منطق تبلیغ است که باعث لامذهبی افراد می‌شود، زیرا افراد ناوارد در مسائل مربوط به حکمت الهی، منطق‌های ضعیفی را ارائه می‌دهند. (جهرمی و باقری، ۱۳۷۸/ص: ۲۳۲)

بی‌خبری برخی از مدرسین از اوضاع و احوال زمان، عاملی برای بی‌توجهی دانشجویان به دین است. عامل دیگر این است که بعضی از مقدس مآبان و مدعیان تبلیغ دین، به نام دین با همه چیز به جنگ بر می‌خیزند و شعارشان این است که اگر می‌خواهی دین داشته باشی پشت پا به همه چیز بزن. در این صورت وقتی علم، دشمن دین معرفی شود، قطعاً مردم به دین بدبین خواهند شد. (جهرمی و باقری، ۱۳۷۸/ص: ۲۳۸)

معهدا در بیان مشکلات اسلامی شدن فضای فرهنگی دانشگاه‌ها، عوامل متعددی وجود دارد که می‌بایست به دور از جنجال سیاسی بررسی و تحلیل گردد؛ اما مسلماً عمده‌ترین عامل تأثیرگذار فرهنگی، دور شدن از هدف اصلی دانشگاهی یعنی علم‌آموزی است. افراطی‌گری همانقدر برای از بین بردن فضای اسلامی دانشگاه‌ها خطرناک است که جو سکوت و بی‌تفاوتی نسبت به ارزش‌های اخلاقی و دینی مشکل‌آفرین است. در

مجموع همه‌ی فعالیت‌های دانشگاهی می‌بایست بر محور علم و علم‌آموزی  
باشد و لاغیر.



ژوئیه‌شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دانشگاه علامه طباطبائی

۴۶

سال نهم، شماره ۲۵ و ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۸۴